خصوصی سازی ابزار اصلی تهاجم نظام سرمایه داری به کار و زندگی کارگران

نظام سرمایه درای با بهره کشی ومکیدن خون کارگران زنده وسر پا است.طبقه سرمایه دار بعنوان صاحب اصلی تمام وسایل تولید، امتیاز و قدرت و کارگران بعنوان کسانی که جز نیروی کار خود ، صاحب هیچ چیز نبوده وبرای زنده ن ماندن باید این نیرو را به طبقه سرمایه دار بفروشد مطرح می باشد. درکنار فروش اجباری نیروی کاربرفقر وفلاکت ونداری کارگران ، هر قدرکه براثر استثمارنظام سرمایه داری برسرمایه آنان افزوده می میشود به همان اندازه شدت بهره کشی آنان نیز افزایش می یابد .این افزایش شدت بهره کشی ، به این دلیل ساده می باشدکه فرضا"سرمایه ای که در ۱۰ سال پیش ۱۰ میلیارد بوده والان در سایه بهره کشی کارگران به ۳۰ میلیارد رسیده است انتظار سود بیشتری حداقل ۳برابرنسبت به ده سال قبل را دارد . بنابراین سرمایه جبرا"باید از طریق تشدید بهره کشی به این منظور برسد . دربین مردم ساده هم به تجربه این فرهنگ سرمایه داری کاملا" جا افتاده است که می گویند یارو هر چقدر پول دار می شود به همان انازه خسیس تر و حریص ترمی گردد.در نطام سرمایه داری که اساس آن بر استثمار وانباشت سرمایه استوار است وهربازتولید مساوی با انباشت مشخصی است . هر چه این نطام ماندگار شود وبه عمر ننگین خود ادامه دهد به همان اندازه کارگران ندارتر ، بی آینده تر و....وبه همان اندازه طبقه سرما یه دار ثروتمند ترمی گردد . در اینجا منظوراز فقر پائین آمدن دستمزدها نسبت به تورم و گرانی پایین آمدن قدرت خرید ، تورم گرانی بیکاری ، بی مسکنی ، نداشتن امنیت شغلی (شغل دایم) نداشتن تامینات اجتماعی و...میباشد . با این توضیحات ساده می توان گفت همانطوریکه رهبران کارگران مانند رزا لوکزانبورگ پیش بینی می کرد ، انباشت سرمایه به مرحله ای رسیده است که دیگرروند باز تولید معمولی (صنعتی -خدماتی) و بهره کشی و چپاول در این بخش سرمایه نجومی انباشت شده غول آسا را سیراب نمی کند . بنابراین هیچ راهی بجزء گرایش به سوی نظامیگری ، نزول خواری و هجوم به تمام ابعاد زندگی کارگران و بردگی کامل آنان نما نده است . نئولیبرالسیم محصول این بن بست نظام سرمایه داری و تجویز هجوم نظامی توحش وبربریت برای غارت مستقیم کارگران درجهت رهائی ازگردابی است که سرمایهٔ جهانی درآن دست و پامی زند . ازاین جهت طرح خصوصی سازی ازطرف سازمان تجارت جهانی وبانک جهانی (یاهمان صندوق نزول خورای) و تمامی جناحهای سرمایه داری داخلی ایران بعنوان حمله به تمام ابعاد کار و زندگی کارگران و زحمتکشان ایران و جهان می باشد . هدف این تهاجم باز پس گیری تمام دست آوردهای ۲۰۰ سالهٔ طبقه کارگردرجهت نجات خودسرمایه ازبحرانهای مزمنی که درآن قراردارد میباشد. اگردردوران اولیه انباشت سرمایه آنان بردگان مخصوصاً افریقائی رابرای بهرکشی به مرکزمثل لندن می بردند درعصرجهانی سازی ونئولیبرالسیم این سرمایه است که به سراغ بردگان می رود منتها برای اینکه این جابجائی به زحمت اش بیارزد ابتدا باید ازتبدیل شدن کارگران به بردگان مطمئن شود (درکشورماتحت حاکمیت مهرنوازدرسایهٔ قراردادهای موقت وسفید امضا برپایه انرژی (نفت) ونیروی کارارزان) جهانی سازی نئولیبرالی چیزی نیست مگرهمین جهانی سازی عدم امنیت شخصی ، فقر، جهانی سازی بی آیندگی ودریک کلام جهانی سازی بردگی برای سرمایه. دراین طرح ونقشهٔ سرمایه نئولیبرالی سرمایه جهابی وهمپالگی های وطنی خودمان بامحوریت خصوصی سازی کارخانجات ، تعاون ، امکانات دولتی (آب ، برق، تلفن، غیره..) وبا اخراج

میلیـونی کـارگران باهـدف الـف : نـابودی امنیـت شـغلی تحـت رسـمیت دادن بـه قراردادهـای موقـت وسفیدامضاوازاین لحاظ بردگی کامل کارگران ب : تصفیه کامل پیشروان کارگری وقطع ارتباط بین نسل گذشته وحال وازاین جهت جلوگیری ازانتقال سابقه مبارزاتی وتجارب واشکال مبارزاتی ج : نابودی کامل تمامی تشکل های سراسری کارگران ویا وادارکردن آنان به سازش طبقاتی ح : ازپیش بردن تمامی دست آوردهای ۲۰۰ ساله کارگران درامورات اجتماعی ، رفاهی ، تفریحی ، ورزشی و... د : دامن زدن به رقابت ناسالم بین کارگران دررابطه با اشتغال واضافه کاری و... خ : بیکاری میلیونی ومزمن چ : سوء استفاده وگرایش به سوی بهرکشی وحشیانه اززنان وکودکان و... خلاصه کلام تولد نظام برده داری درشکل جدید میباشد. نئولیبرالهای وطنی درهمسوئی کامل باسرمایهٔ جهانی با تغییرات اساسی درقانون کاردرجهت تشدید استثمار کارگران که حتی بقول دوستان خانه کارگریشان که دیگر نه قانون کار بلکه اخراج نامه می باشد. تعطیلی بیشتر کارخانجات ، مصوبات مجلس اصلاح طلب و اصول گرا در مورد کارگاه های ۵ نفره و ۱۰ نفره که در صد بالایی از کارگران ، از شمولیت قانون کار بیرون آورد و..... آخر سر ر سمیت دادن علنی به خصوصی سازی درچهار چوب اصل ٤٤ عملا در جهت ملزومات جهانی سرمایه و انطباق با آن قرار گرفتند. این بخش در خصوصی سازی حمله مستقیم به کارگران و امنیت شغلی آنان در جهت بردگی کامل میباشد . در بخش دیگر خصوصی سازی که پس از پیش بردن امنیت شغلی و تامینات اجتماعی میباشد حمله ی مغول وار به بهداشت و درمان، آموزش در سطو ح مختلف ، خدمات عمومی و ..... میباشد خصوصی سازی بیمارستانها ، امکانات داروئی و بهداشتی و مراقبتی به دکان کسب و غارت سرمایه داران تبدیل میشود. بطوریکه برای شکستگی یک دست بچه و یا از خود کارگران و مردم ستم دیده ۲تا ۳ میلیون پول گرفته میشود . آمار بچه ها با زنان و مردانی که بعلت نداشتن پول و عدم قبولی آنان که در وضعیت اورژانسی بسر می برند و فوت کرده اند هر روز بیشتر میشود که حتی به تیتر اخبار رادیو و تلویزیون تبدیل شده است . یا داروهای کمیاب وآزاد برای بیماری های خاص که سر از ناصر خسرو در آورده است با صدها برابر قیمت فروخته میشود و..... جنایت بار ترین قسمت خصوصی سازی آموزش در سطوح مختلف میباشد. از دانشگاه آزاد اسلامی تا مدارس غیر انتفاعی پیام نور تا دانشگاه های انتفاعی و..... ..... عملا" با به انحصار در اوردن علم در خدمت ثروت اندوزی سرمایه داران وبا دامن زدن به بی سوادی درمیان کارگران و محرومین جامعه آنان را به برده های چشم و گوش بسته سرمایه تبدیل میکند .

از طرفی که در حالیکه مردم ستم دیده کارگران در هر قدم باید مالیات گوناگون بدهند و از این لحاظ خدمات عمومی باید ۱۰۰ % با توجه به امکانات عمومی رایگان باشد. شاهد خصوصی سازی خدمات عمومی مثل حمل و نقل عمومی (شرکت واحد، مترو....) نظافت اتوبانها و.... هستیم که عملا" علاوه بر حراج اموال عمومی وتحمیل هزینه های گزاف کمر کارگران را خم میکند . بطور خلاصه باید گفت خصوصی سازی یعنی غارت و بازپس گیری تمام امکانات قبلی و فعلی کارگران ومردم ستم کش در عرصه های شغلی ، آموزشی ، بهداشت و درمان و خدمات عمومی و غیره ..... در شکل بهره کشی چند گانه ی کارگران و ستم دیدگان در جهت انباشت ثروت های نجومی سرمایه داران میباشد . ما کارگران باید هم سو با طبقه جهانی کارگران با ایجاد تشکل ، تجمع در اشکال مختلف سیاسی _ صنفی در مقابل این هجوم جهانی و داخلی سرمایه داران مقاومت کرده و سدی عظیم مقابل تشدید تهاجم بر پا داریم . ماکارگران اگربه قدرت خودبعنوان تنهانیروی مولد تمام نعمات مادی جامعه ازخوراک ، پوشاک مسکن گرفته تاپیچیده ترین ماشین

آلات وکامپیوترهاو..... پی ببریم ، ماکارگران اگربدانیم که نزدیک به ٤١٤تراست وکارتل انگشت شمارفرامیلتی سرمایه داری نزدیک به ٢میلیارد وسی صد میلیون نفرازماها رابه برده دارترین شکل مورد بهرکشی قرارمی دهند . ماکارگران اگربدانیم هرچه علم وتکنولوژی پیشرفت می کند درجه استتماروغارت ما افزون ترمیشود مثلاً درجه بهره کشی مادر١٢٠سال قبل ١به ٣بود وحالا این رقم ١به ٩٩ارتقاء یافته است . ماکارگران اگربدانیم که سرمایه جهانی زیرچترجهانی سازی درجهت تشدید بهره کشی به زنان وکودکان ما روی آورده است وباتحمیل گرسنگی مزمن وبه زیرخط فقربردن دو سوم کل بشریت ، مرگ سالیانه ١٦میلیون کودک ، خلاصه اگرما کارگران بدانیم سرمایه جهانی بارواج تن فروشی وباندهای آدم کشی سازمان یافته ، موادمخدروداروهای روان گردان ، قاچاق وخریدوفروش انسان واعضای بدن ، نزول خواری جهانی ، رقابت تسلیحاتی وانبارسلاحهای میکروبی وهسته ای که می تواند ٣٠ بارکره زمین رانابودکند ، رواج خرافات ، ابتذال وفرهنگ تحمیق وتسلیم و..... به مانع اصلی رشد و بالندگی وسعادت تمام بشریت تبدیل شده است وبرای فرارازسراشیب گندیدگی وانحطاط خودچاره ای جز توحش نظامی ، غارتگری وبه بردگی کشاندن ونابودی جهان ندارد. درمقابل ماکارگران باقدرت میلیاردی خود درجهت نابودی این غده سرطانی ازطریق سازماندهی خودمان درتشکیلاتهای صنفی ـسیاسی وساختن جهانی آزاد و آباد بدورازتضاد طبقاتی حرکت کرده سرنوشت خود راخود تعین خواهیم کرد؟

شاهرخ زمانی